



«بی تفاوتی اجتماعی» از اقتصاد و سیاست تا اخلاق؛ آیا جامعه بی تفاوت است؟

بی تفاوتی اجتماعی صرفاً یک پدیده منفرد نیست و اگرچه واکنشی حاصل از عوامل گوناگون است اما به قطع مبنایی فرهنگی دارد، موضوعی که مورد پژوهش جامعه شناسان قرار می گیرد.

بی تفاوتی اجتماعی صرفاً یک پدیده منفرد نیست و اگرچه واکنشی حاصل از عوامل گوناگون است اما به قطع مبنایی فرهنگی دارد، موضوعی که مورد پژوهش جامعه شناسان قرار می گیرد.

خبرگزاری مهر - گروه دین و اندیشه- سیده فاطمه سادات کیایی: بی تفاوتی اجتماعی، مفهومی چندوجهی است که جوامع مدرن و جوامعی که درگیر چالش های سنت و مدرنیته هستند با آن دست و پنجه نرم می کنند. این پدیده، گستره ای از بی اعتنائی و عدم مسئولیت پذیری در قبال مسائل و مشکلات پیرامون را شامل می شود، از بی توجهی به حقوق شهروندان گرفته تا انزوای سیاسی و مدنی. به بیان ساده، بی تفاوتی اجتماعی وضعیتی است که در آن، افراد جامعه نسبت به رنج ها و نیازهای دیگران، مشکلات اجتماعی و سیاسی، و به طور کلی سرنوشت جمعی، احساس مسئولیت و تعهد نمی کنند و تمایلی به نقش آفرینی در حل آن ها ندارند. در خلال گزارش ها و گفتگوهای با صاحب نظران درصدد هستیم ابعاد مختلف این مسئله را بررسی و واکاوی کنیم.

آنچه در ادامه می خوانید بخش نخست این سلسله گزارش و گفتگو است:

بی تفاوتی یک معضل اجتماعی

بی تفاوتی اجتماعی پدیده ای مهم در علوم اجتماعی است که از آن با واژه هایی چون بی خیالی اجتماعی، فرد گرایی، فراموشی هنجارها نیز یاد می شود، هرچند که بین خود این واژه ها نیز تفاوت هایی وجود دارد. اینکه تعریف بی تفاوتی چیست و کنشگران در بافت فرهنگی ایران به پشتوانه کدام منطق فرهنگی تصمیم می گیرند که در مقابل وضعیت های مختلفی که با آنها رو به رو می شوند، بی تفاوت شوند یا بی تفاوت نشوند، و یا بی تفاوتی بیش تر متوجه کدام بعد سیاسی، اجتماعی و یا فرهنگی در میان ایرانیان است نکات قابل توجهی است که در پژوهش های اجتماعی باید به رویکردهای مختلف و بررسی از منظر دیدگاه های مختلف توجه کرد. نکته حائز اهمیت آن است که بی تفاوتی خود یک کنش است، کنشی که به بی واکنشی می انجامد و از ذهنیت ها، دغدغه ها، درونیات افراد نشأت می گیرد. موضوعی که نیازمند بررسی های روانی، فرهنگی و اجتماعی و سیاسی است. امیل دورکیم در مطالعات خود به وضعیت «آنومی» اشاره کرده است. او معتقد بود که در مواقعی که ساختارهای اجتماعی ضعیف یا غیرقابل فهم شوند، افراد احساس بی هدفی و بی تفاوتی می کنند.

برای درک بهتر این مفهوم، لازم است ابعاد مختلف آن را بررسی کنیم. بی تفاوتی اجتماعی صرفاً یک پدیده منفرد نیست، بلکه خود را در سطوح گوناگونی نمایان می سازد. در حوزه سیاسی، این بی تفاوتی به شکل عدم مشارکت در انتخابات، بی اعتمادی به سیاستمداران و نهادهای حکومتی، و بی توجهی به اخبار و مسائل سیاسی بروز می کند. برای مثال، کاهش مشارکت در انتخابات در برخی از کشورهای جهان می تواند به عنوان نشانه ای از بی تفاوتی سیاسی تلقی شود. افراد ممکن است احساس کنند که صدایشان شنیده نمی شود، یا اینکه حضورشان در انتخابات تغییری در شرایط ایجاد نخواهد کرد.

از اقتصاد و سیاست تا اخلاق

در بعد مدنی، بی تفاوتی اجتماعی به صورت عدم مشارکت در فعالیت های داوطلبانه، بی اعتنائی به حقوق شهروندی دیگران، و بی توجهی به مسائل مربوط به جامعه مدنی مشاهده می شود. به عنوان مثال، شاید شاهد این باشیم که افراد از کمک به همسایه ای که با مشکلی روبرو شده، دریغ می کنند، یا در برابر نقض حقوق شهروندی دیگران سکوت اختیار می کنند. این بی تفاوتی می تواند ناشی از احساس ناامنی، بی اعتمادی به دیگران، یا صرفاً بی حوصلگی و بی اعتنائی باشد.

در حوزه اخلاقی، بی تفاوتی اجتماعی به شکل بی اعتنائی به ارزش های اخلاقی، عدم رعایت حقوق دیگران، و عدم احساس مسئولیت در قبال رفتارهای غیراخلاقی بروز می کند. برای مثال، شاید شاهد این باشیم که افراد به راحتی دروغ می گویند، تقلب می کنند، یا به محیط زیست آسیب می رسانند، بدون آنکه احساس گناه یا پشیمانی کنند. این بی تفاوتی می تواند ناشی از تضعیف نظام ارزشی جامعه، حاکمیت فردگرایی افراطی، یا احساس ناامیدی از اصلاح امور باشد.

در نهایت، در بعد اقتصادی، بی تفاوتی اجتماعی به شکل عدم مشارکت در فعالیت های اقتصادی مولد، بی اعتنایی به مسائل مربوط به عدالت اقتصادی، و عدم تلاش برای بهبود وضعیت اقتصادی جامعه مشاهده می شود. به عنوان مثال، شاید شاهد این باشیم که افراد به دنبال رانت و فساد هستند، از پرداخت مالیات فرار می کنند، یا به تولید ملی بی اعتنا هستند. این بی تفاوتی می تواند ناشی از ناامیدی از بهبود شرایط اقتصادی، بی اعتمادی به نهادهای اقتصادی، یا احساس نابرابری و تبعیض باشد.

ریشه های بی تفاوتی اجتماعی عمیق و متنوع هستند. فردگرایی افراطی، که در آن منافع شخصی بر منافع جمعی ارجحیت داده می شود، یکی از مهم ترین عوامل شکل دهنده این پدیده است. در جوامعی که فردگرایی در آن ها رواج دارد، افراد ممکن است احساس کنند که تنها مسئول زندگی خود هستند و نیازی به مشارکت در امور دیگران ندارند. ناامیدی و بی اعتمادی به آینده و به نهادهای اجتماعی و سیاسی نیز نقش بسزایی در ایجاد بی تفاوتی ایفا می کنند. زمانی که افراد احساس کنند که هیچ امیدی به بهبود شرایط ندارند، یا اینکه نهادهای جامعه فاسد و ناکارآمد هستند، انگیزه خود را برای مشارکت و فعالیت اجتماعی از دست می دهند.

فقدان آگاهی از مسائل و مشکلات جامعه و عدم اطلاع از حقوق و مسئولیت های شهروندی نیز می تواند منجر به بی تفاوتی شود. افرادی که از مشکلات جامعه آگاهی ندارند، یا از حقوق خود بی اطلاع هستند، نمی توانند به درستی در فعالیت های اجتماعی و سیاسی مشارکت کنند. مشکلات اقتصادی مانند فقر، بیکاری و نابرابری نیز نقش مهمی در ایجاد بی تفاوتی ایفا می کنند. افرادی که درگیر مشکلات اقتصادی هستند، ممکن است وقت و انرژی کافی برای مشارکت در فعالیت های اجتماعی نداشته باشند.

جامعه ایران و بی تفاوتی اجتماعی؛ آری یا نه؟

در بررسی «آینده پژوهی ایران در سال ۱۳۹۶» یکی از چالش هایی که جامعه ایران با آن مواجه بود مسئله «بی تفاوتی اجتماعی» برشمرده شده بود.

در مورد وضعیت بی تفاوتی اجتماعی در جامعه ایرانی، دیدگاه های متفاوتی وجود دارد. برخی از صاحب نظران معتقدند که جامعه ایران به طور فزاینده ای درگیر این پدیده است، در حالی که برخی دیگر این مسئله را رد می کنند و معتقدند که جامعه ایران همچنان دارای پتانسیل بالایی برای مشارکت و فعالیت اجتماعی است.

موافقان معتقدند که کاهش مشارکت سیاسی، افزایش فردگرایی، بی اعتمادی به نهادها، و مشکلات اقتصادی، همگی نشانه هایی از بی تفاوتی اجتماعی در جامعه ایران هستند. به عنوان مثال، آنها به کاهش مشارکت در انتخابات های اخیر اشاره می کنند و معتقدند که این امر نشان می دهد که مردم ایران به فرایندهای سیاسی بی اعتنا شده اند. همچنین، آنها به افزایش فردگرایی در جامعه ایران اشاره می کنند و معتقدند که این امر باعث شده است که افراد به فکر منافع شخصی خود باشند و توجهی به مسائل جامعه نداشته باشند.

مخالفان معتقدند که وجود فعالیت های داوطلبانه، حساسیت نسبت به مسائل اجتماعی، ارزش های دینی و فرهنگی، و انرژی جوانان، نشان می دهد که جامعه ایران همچنان دارای پتانسیل بالایی برای مشارکت و فعالیت اجتماعی است. به عنوان مثال، آنها به وجود تعداد زیادی از سازمان های مردم نهاد در ایران اشاره می کنند و معتقدند که این امر نشان می دهد که مردم ایران هنوز به فکر کمک به دیگران هستند. همچنین، آنها به حساسیت جامعه ایران نسبت به مسائل اجتماعی اشاره می کنند و معتقدند که در صورت بروز مشکلات، مردم ایران به طور گسترده به کمک رسانی به آسیب دیدگان می پردازند.

در نهایت، می توان گفت که جامعه ایران در عین حال که با چالش هایی مانند کاهش مشارکت سیاسی و افزایش فردگرایی مواجه است، همچنان دارای پتانسیل بالایی برای مشارکت و فعالیت اجتماعی است. برای مقابله با بی تفاوتی اجتماعی در ایران، لازم است که به عوامل مؤثر در شکل گیری آن توجه شود و راهکارهایی برای افزایش آگاهی، اعتماد، مشارکت و مسئولیت پذیری اجتماعی ارائه شود.

راهکارهای متعددی برای مقابله با بی تفاوتی اجتماعی وجود دارد. افزایش آگاهی از طریق آموزش شهروندی و افزایش آگاهی عمومی در مورد مسائل اجتماعی و سیاسی، می تواند به افراد کمک کند تا درک بهتری از مشکلات جامعه داشته باشند و انگیزه بیشتری برای مشارکت در حل آنها پیدا کنند. تقویت اعتماد به نهادهای سیاسی و اجتماعی از طریق شفافیت، پاسخگویی و مبارزه با فساد، می تواند به افراد کمک کند تا احساس کنند که صدایشان شنیده می شود و مشارکت آنها می تواند تغییری در شرایط ایجاد کند. تشویق مشارکت از طریق فراهم کردن فرصت های بیشتر برای مشارکت در فعالیت های اجتماعی و سیاسی، می تواند به افراد کمک کند تا احساس کنند که می توانند نقش مهمی در جامعه ایفا کنند. تقویت

مسئولیت پذیری از طریق ترویج ارزش های مسئولیت پذیری اجتماعی و تشویق افراد به مشارکت در حل مشکلات جامعه، می تواند به افراد کمک کند تا احساس کنند که در قبال دیگران و جامعه مسئول هستند. بهبود وضعیت اقتصادی از طریق تلاش برای بهبود وضعیت اقتصادی جامعه و کاهش فقر و نابرابری، می تواند به افراد کمک کند تا انگیزه بیشتری برای مشارکت در فعالیت های اجتماعی داشته باشند. و در نهایت، اصلاح فرهنگ سیاسی از طریق ایجاد فضای باز سیاسی و فراهم کردن آزادی بیان و مشارکت سیاسی، می تواند به افراد کمک کند تا بدون ترس از عواقب احتمالی، در فعالیت های اجتماعی و سیاسی مشارکت کنند.

در پایان، بی تفاوتی اجتماعی یک چالش جدی است که می تواند پیامدهای منفی برای جامعه داشته باشد. برای مقابله با این چالش، لازم است که همه افراد جامعه، از جمله دولت، نهادهای مدنی و شهروندان، با یکدیگر همکاری کنند و برای ایجاد یک جامعه آگاه، مسئولیت پذیر و مشارکت جو تلاش کنند. این تلاش نیازمند تغییر در نگرش ها، ارزش ها و رفتارهای فردی و جمعی است و مستلزم سرمایه گذاری در آموزش، فرهنگ و نهادهای مدنی است.